

بررسی اصول حاکم بر رویه داوری پیمان منشور انرژی

محمدحسین حسن خانلو^۱

چکیده

«تأمین انرژی»، یکی از مهم‌ترین چالش‌های کشورهای می‌باشد. در این بین کشورهای که از منابع انرژی کم‌تری برخوردار هستند، بیش‌تر از کشورهای دیگر با چالش کمبود انرژی درگیر هستند. سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای تلاش‌های زیادی را برای رفع این مشکل انجام داده‌اند. یکی از نمونه‌های موفق از این تلاش‌ها، تشکیل معاهده یا پیمان منشور انرژی است. در این پیمان تلاش شده است کشورهای عضو تعهداتی را در مقابل سرمایه‌گذاران خارجی در حوزه تأمین انرژی عهده‌دار شوند تا بلکه در پناه این حمایت‌ها سیاسی یا دیپلماتیک و اجرای تعهدات داخلی کشورها، سرمایه‌گذاران بتوانند با امنیت بیش‌تری به سرمایه‌گذاری بپردازند. آرای داوری که از این مراجع صادر شده و بعضاً به صورت عمومی منتشر شده است، رویه‌هایی را ایجاد نموده است. صدور این آرا براساس اصولی بوده است؛ از جمله اصل رفتار منصفانه و عادلانه، اصل ایجاد حداکثر امنیت و مراقبت پایدار یا حمایت و امنیت کامل، اصل عدم ایجاد شرایط سخت با انجام اقدامات تبعیض‌آمیز و نامتعارف نسبت به سرمایه‌گذار، اصل رعایت حداقل استانداردهای رفتاری و اصل امکان گنجاندن شرط چتری. از آن‌جا که کشور ایران، یکی از منابع اصلی تأمین انرژی برای کشورهای دیگر است و نیز با توجه به این‌که کشور ایران عضو ناظر در پیمان می‌باشد و تلاش می‌کند شرایط مقرراتی خود را به حدی برساند که برای عضویت اصلی پیمان قابل قبول باشد؛ بعد از انقلاب تلاش‌های زیادی را در جهت همگام شدن با سازمان‌ها و رویه‌های تجارت بین‌الملل و مخصوصاً در حوزه صنعت نفت انجام داده است.

واژگان کلیدی: پیمان منشور انرژی، سرمایه‌گذاری خارجی، سلب مالکیت، رفتار منصفانه.



۱. دانشجوی دکتری حقوق نفت و گاز پردیس فارابی دانشگاه تهران.

مقدمه

امروزه انرژی نقش بسیار مهمی در زندگی انسان‌ها بازی می‌کند. منابع انرژی در دنیا محدود است و روزی به پایان خواهد رسید. تلاش‌های بسیاری در زمینه حرکت به سوی انرژی‌های تجدیدپذیر، مانند انرژی خورشیدی و انرژی بادی صورت گرفته است؛ ولی همچنان انسان نیازمند استفاده از انرژی‌های فسیلی می‌باشد؛ چرا که امکان استفاده از انرژی خورشیدی و بادی بسیار محدود است و تنها می‌تواند نیازهای موردی را پوشش دهد. لذا از آن‌جا که رشد و توسعه میادین نفت و گاز به سرمایه‌های گسترده‌ای نیاز دارد و از طرف دیگر رسیدن به منابع فسیلی، از جمله فعالیت‌های بسیار زمان‌بر و طولانی مدتی محسوب می‌گردد و به تبع آن قراردادهای نفتی یا سرمایه‌گذاری جهت اکتشاف، توسعه و تولید نفت یا گاز بلند مدت است؛ بلندمدت بودن این قراردادها خطراتی را برای سرمایه‌گذاران در پی خواهد داشت؛ خطراتی نظیر، تغییر حکومت شرکت سرمایه‌پذیر و زیر پا گذاشتن تعهدات قراردادی حکومت سابق، به وجود آمدن انقلاب‌ها، شورش‌ها، و در پی آن، مصادره و سلب مالکیت از شرکت‌های نفتی و سرمایه‌گذار و یا تغییر مقررات و قوانین کشور سرمایه‌پذیر به ایجاد شرایط سخت و دشوار برای سرمایه‌گذار منجر خواهد شد که این موارد از جمله ریسک‌هایی است که می‌تواند سرمایه‌گذاران حوزه انرژی را تهدید کند.

معاهده منشور انرژی تلاش می‌کند دولت‌های عضو را به رعایت برخی اصول در جهت حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی ملزم نماید. این اصول به رشد سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی کمک خواهد کرد و رشد سرمایه‌گذاری نیز عرضه انرژی و تولید آن را در سطح جهان میسر خواهد نمود. عرضه و تولید انرژی به میزان کافی به ثبات در بازار انرژی منجر خواهد گردید. با توجه به مطالب مذکور و اهمیت حوزه انرژی و نیز بلندمدت بودن پروسه تولید و عرضه انرژی معمولاً اختلافاتی بین سرمایه‌گذاران و دولت سرمایه‌پذیر ایجاد می‌شود. در برخی مواقع دولت‌ها در برابر هم جبهه می‌گیرند و در برخی موارد این اشخاص سرمایه‌گذار هستند که در مقابل دولت یا برعکس ادعاهایی را مطرح می‌نمایند. چون منابع انرژی معمولاً در اختیار حکومت‌ها

است؛ ناخودآگاه پای دولت‌ها نیز در این موارد باز می‌شود.

نکته جالب توجه در پیمان منشور انرژی شیوه حل و فصل اختلافات آن است که ترتیبات خاصی برای حل و فصل اختلافات معین کرده است. بنابراین، با توجه به این‌که ایران یکی از بزرگ‌ترین کشورهای دارنده منابع انرژی در سطح دنیا است، نقش بسیار مهمی در حوزه انرژی دنیا داراست. از طرف دیگر، با توجه به این‌که ایران به عنوان عضو ناظر در پیمان منشور انرژی پذیرفته شده است و جهت عضویت اصلی در این پیمان می‌بایست اقداماتی در سیاست‌ها و مقررات داخلی خود انجام دهد تا بتواند بستر را برای تبدیل عضویت ناظری به عضویت اصلی فراهم نماید؛ در این تحقیق تلاش شده است بررسی گردد که ایران تا چه حدی اصول حاکم بر معاهده منشور انرژی رویه‌های داوری آن را در حوزه نفت و گاز خود جامه عمل پوشانیده است.

۱. پیمان منشور انرژی و نفت



معاهده منشور انرژی، بستر مناسب و عاری از تبعیض را برای سرمایه‌گذاران حوزه انرژی فراهم کرده است. هر کشوری که به این معاهده می‌پیوندد، در واقع اصولی مانند رعایت اصل کامله الوداد و گسترش رژیم سرمایه‌گذاری ملی را در برابر همه سرمایه‌گذاران که وارد کشور سرمایه‌پذیر می‌شود متعهد می‌شود، پیمان منشور انرژی بین دو مرحله پیش از سرمایه‌گذاری و مرحله پس از سرمایه‌گذاری تفکیک قائل شده است. در مرحله پیش از سرمایه‌گذاری، منشور برای طرفین تکالیف خاصی در نظر گرفته است البته این تکالیف جنبه قانون نرم^۱ دارد؛ بدین صورت که نمی‌توان طرفین را به رعایت آن الزام نمود. اما در خصوص مرحله پس از ورود سرمایه‌گذار، مقررات سختی^۲ وجود دارد که تعهداتی برای طرفین الزام می‌کند. علت این تمایز این است که کشورهای سرمایه‌پذیر می‌بایست در تصمیم‌گیری‌های خود با توجه به دسترسی به سرمایه‌گذاران خاص و مناطق سرمایه‌گذاری در حوزه داخلی کشور خود نسبتاً آزاد باشند و استقلال و حاکمیت خود را تا حدی حفظ کنند. وقتی سرمایه‌گذار جهت

1- soft law

۲- hard law

سرمایه‌گذاری وارد کشور دیگر می‌شود، در واقع خود را در معرض ریسک‌های سیاسی و حقوقی زیادی قرار می‌دهد. لذا مطابق این معاهده، دولت سرمایه‌پذیر تعهد می‌نماید رفتار ناعادلانه‌ای با سرمایه‌گذار نداشته باشد و رفتاری را که با مردم خود دارد، با سرمایه‌گذار همان رفتار را داشته باشد.

پیمان منشور انرژی، موافقتنامه چند جانبه بین‌المللی سرمایه‌گذاری است. در بخش هفتم این پیمان، ساختار تشکیلاتی منشور بر سه رکن، کنفرانس منشور انرژی، کمیته بودجه و دبیرخانه استوار شده است. از سال ۱۹۹۶ پیمان منشور انرژی، دبیرخانه دائمی در بروکسل تشکیل داد. ماده ۲ پیمان منشور انرژی اهداف منشور را ایجاد چارچوبی حقوقی برای گسترش همکاری بلند مدت در حوزه انرژی بیان می‌کند که بر منافع مشترک و مکمل بودن یکدیگر مبتنی است. این پیمان، بر تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در بخش انرژی، تجارت آزاد کالاها و محصولات انرژی، آزادی ترانزیت و حل و فصل اختلافات تأکید دارد. سرمایه‌گذاری از دو زاویه از نگاه پیمان منشور انرژی مهم است: یکی تسهیل ورود سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه انرژی و دیگر حمایت از آن بعد از ورود است و در ضمن ماده بند ۲ ماده ۱۰ پیمان، کشورهای عضو باید تلاش کنند رفتار آنان نسبت به سرمایه‌گذاران خارجی که تمایل دارند در آن کشور سرمایه‌گذاری کنند، از رفتار آن‌ها نسبت به سرمایه‌گذاران داخلی و همچنین نسبت به سرمایه‌گذاران سایر کشورهای عضو کم‌تر نباشد. در همین ماده، رفتار منصفانه و عادلانه با سرمایه‌گذاران کشورهای طرف متعاهد تضمین شده است و هرگونه تبعیض بین سرمایه‌گذاران کشورهای طرف متعاهد تضمین و هرگونه تبعیض بین سرمایه‌گذاران طرف متعاهد با سایر سرمایه‌گذاران خارجی یا داخلی منع شده است. کشورهای عضو متعهد شده‌اند که چنانچه شرایط مساعدتری نسبت به سایر سرمایه‌گذاران خارجی یا داخلی اعمال کنند، به طور خودکار آن شرایط را به سرمایه‌گذاران عضو دیگر سرایت دهند.

پیمان منشور انرژی، در ماده ۱۳، مصادره، ملی کردن و اقدامات مشابهی، مثل سلب مالکیت را اصولاً ممنوع دانسته است؛ مگر این‌که برای اهداف عمومی، به روش غیر تبعیض‌آمیز و به موجب فرآیند قانونی مشروط به این‌که خسارت فوری، کافی و موثر

پرداخت گردد. در بند ۱ ماده ۱۰ منشور، شرط التزام یا شرط چتری^۱ را به عنوان یکی از ابزارهای حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی در نظر گرفته است. مطابق این شرط هر کشور متعهد می‌بایست تعهداتی که در قبال یک سرمایه‌گذار یا در قبال سرمایه‌گذاری یک سرمایه‌گذار از کشور متعهد دیگر تقبل کرده است؛ رعایت کند. به طور کلی، پیمان منشور انرژی، یکی از اساسی‌ترین بخش‌های قانون‌گذاری بین‌المللی است. این نهاد در جهت کاهش ریسک‌های سرمایه‌گذاری و کاهش هزینه‌های تأمین مالی اجرای پروژه (هزینه تأمین ارز یا وام از خارج) با توجه به اصل رعایت بهترین رفتار حمایتی و اصل عدم تبعیض قانون‌گذاری داخلی تلاش می‌کند. [Konoplavink, Andrey, "Russia and Energy Charter Treaty: Past, Present and Future", Oil, Gas & Energy Law intelligence, Vol. 10-issue 3, Published]

معمولاً به دو دسته تقسیم می‌شوند:



دسته اول، این است که دولت سرمایه‌پذیر نباید محدودیت‌های جدیدی را برای سرمایه‌گذاران خارجی در خصوص سرمایه‌گذاری‌های جدید اعمال نماید که به این قاعده به اصطلاح (stand – still) می‌گویند. دسته دوم، تعهداتی است که به منظور کاهش تدریجی محدودیت‌های موجود به دوش دولت سرمایه‌پذیر نهاده می‌شود که در اصطلاح به آن قاعده roll-back می‌گویند.

پیمان منشور انرژی در واقع سندی است که بین کشورهای مختلف در ۱۷ دسامبر ۱۹۹۴ در لیسبون امضا و در تاریخ ۱۶ آوریل ۱۹۸۸ رسماً اجرا شد. این پیمان چارچوب حقوقی جامع و پایداری در زمینه‌های مختلف مرتبط با انرژی دارد. زمینه‌هایی مانند سرمایه‌گذاری، تجارت، ترانزیت، بهره‌وری، محیط زیست و روش‌های حل اختلاف مربوط و متناسب با ماهیت هر بخش دارد. ایران هم در تاریخ ۱۷ دسامبر ۲۰۰۲ به عضویت ناظر این پیمان درآمد. [اخلاقی و ...، ۱۳۹۲: ص ۱۵ - ۱۸].

تنها موردی که منشور معاهده انرژی از منابع انرژی صحبت می‌کند و می‌توانیم نفت را نیز در این حیطة قرار دهیم، ماده ۱۸ پیمان منشور انرژی است که مقرر می‌دارد:

۱ - umbrella clause

«۱. طرف متعاقد، حاکمیت دولت و حقوق ناشی از حق حاکمیت بر منابع انرژی را به رسمیت می‌شناسند. آن‌ها مجدداً تأکید می‌کنند که این حقوق باید مطابق رعایت قواعد حقوق بین‌الملل اعمال شود. ۲. معاهده بدون این که بر اهداف ارتقای دسترسی به منابع انرژی و اکتشاف و توسعه آن بر مبنای بازرگانی اثر گذارد، به هیچ وجه به قواعد حاکم بر نظام مالکیت انرژی در طرف‌های متعاقد خدشه‌ای وارد نخواهد کرد. ۳. هر دولتی همچنان به ویژه حق دارد در باره مناطق جغرافیایی واقع در قلمرو خود که می‌توانند برای اکتشاف و توسعه منابع انرژی در دسترس قرار گیرند، و نیز بهینه‌کردن احیای این منابع و میزان استخراج آن‌ها، تصمیم بگیرد. همچنین می‌تواند از هر گونه مالیات، حق-الامتیاز یا دیگر پرداخت‌های مالی به واسطه این اکتشاف و استخراج بهره‌مند شود و آن‌ها را تعیین و نیز جنبه‌های زیست‌محیطی و ایمنی این چنین اکتشاف، توسعه و احیای را در قلمرو خود تنظیم کند و ضمناً در این اکتشاف و استخراج از طریق مشارکت مستقیم حکومت یا بنگاه‌های دولتی سهیم شود. ۴. طرفین متعهد می‌شوند دسترسی به منابع انرژی را با تخصیص اجازه‌نامه‌ها، مجوزها، امتیازات و قراردادهای کاوش و لرزه‌نگاری و اکتشاف یا استخراج منابع انرژی، به گونه‌ای غیر تبعیضی بر مبنای معیارهای منتشر شده تسهیل کنند.»^۱

در واقع در بند ۱ این ماده، به حق حاکمیت کشورهای عضو بر منابع طبیعی خودشان صحنه می‌گذارد و تأکید می‌کند که حق حاکمیت مزبور باید مشروط به رعایت حقوق بین‌الملل اعمال شود. در بند ۲ به دنبال تغییر سیستم مالکیت انرژی مقرر در نظام ملی یک کشور نیست؛ ولی این نباید ارتقای دسترسی به منابع انرژی و اکتشاف و توسعه آن‌ها را براساس شرایط تجاری تحت تأثیر قرار دهد. در بند ۳ به کشورها اجازه می‌دهد قراردادهای نفتی مناسب را به تشخیص خود منعقد کنند. پیمان منشور انرژی

۱. ترجمه ارائه شده برگرفته از متن زیر است: متن معاهده منشور انرژی و ضامته آن، موسسه مطالعات

بین‌المللی انرژی، مترجمان: زنده یاد مسعود طارم سری و مسعود هاشمیان ۱۳۸۴.

روش قراردادی خاصی برای اکتشاف و توسعه منابع انرژی مقرر نمی‌کند، بلکه طبق بند اخیر انواع روش‌های امتیازی، اعطای مجوز بهره‌برداری (لیسانس) یا روش‌های قراردادی را تجویز می‌کند. البته در این جهت می‌بایست همیشه اصل عدم تبعیض را مورد توجه قرار داد. [شیروی، ۱۳۹۳: ص ۵۵۶ - ۵۵۷].

سرمایه‌گذاری که وارد کشور دیگر می‌شود و سرمایه‌زیادی را وارد کشور سرمایه‌پذیر می‌کند، خود به خود در معرض ریسک‌های زیادی قرار می‌گیرد و از طرف دیگر، سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی سرمایه‌گذاری بلندمدت و پیچیده می‌باشد. برای مثال، ساخت یک نیروگاه گازی، مستلزم تهیه خوراک یا گاز برای نیروگاه، تأمین زمین، تأمین تکنولوژی و تأمین بازار مصرف و نیز اتصال به شبکه انتقال گاز و در نهایت انتقال برق تولید شده به مصرف‌کنندگان از طریق شبکه انتقال برق می‌باشد یا یک پروژه اکتشاف و توسعه یا تولید نفت، بیش از ۲۵ سال طول خواهد کشید. لذا این طولانی بودن مدت به ایجاد اختلافات زیادی بین سرمایه‌گذار و دولت سرمایه‌پذیر منجر می‌شود و معاهده منشور انرژی برای حل و فصل این اختلافات ترتیبات خاصی پیش‌بینی نموده است که در جای خود منحصر به فرد است. ماده ۲۶ و ۲۷ معاهده منشور انرژی در خصوص حل اختلاف می‌باشد.

ماده ۲ قانون اصلاح نفت سال ۱۳۹۰ مقرر می‌دارد: «کلیه منابع نفتی جزء انفال و ثروت‌های عمومی است. اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی بر منابع مذکور به نمایندگی از طرف حکومت اسلامی بر عهده وزارت نفت است.» در ادامه در ماده ۳ همین قانون آمده است که نظارت بر اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی بر منابع نفتی بر عهده «هیأت نظارت بر منابع نفتی» است. بنابراین، مطابق این ماده منابع نفتی جزء انفال و ثروت‌های عمومی است و اعمال آن بر عهده وزارت نفت می‌باشد. معاهده منشور انرژی، کشورها را در مورد حاکمیت آن‌ها و تنظیم اصول و شرایط برای بهره‌برداری از میادین طبیعی خود آزاد گذارده است و در امور حاکمیتی و قراردادی کشورهای صاحب مخزن دخالتی نمی‌کند. بنابراین، کشور ایران در این خصوص با مانع خاصی روبه‌رو نخواهد بود. بند «ث» ماده ۱۱ مصوبه جدید هیأت دولت مقرر می‌دارد:



«نفت، گاز یا میعانات گازی و دیگر مواد موجود در مخازن موضوع قرارداد کلاً متعلق به جمهوری اسلامی و ایران و نفت و گاز یا میعانات گازی و نیز هر گونه فرآورده جانبی حاصله از تولید کلاً متعلق به کارفرما می‌باشد.»

۲. انواع اختلافات در حوزه نفت و گاز

الف) اختلافات بین دو دولت

معمولاً این اختلافات در خصوص میادین مشترک بین دو کشور بروز می‌کند. این میادین ممکن است در خشکی یا در دریا مستقر باشند. این اختلاف در واقع بین دو کشور است. البته ممکن است شرکت‌های ملی نفت یا گاز به نمایندگی از دولت به طرح این دعاوی اقدام نمایند. برای مثال، در قضیه بارسلونا تراکشن ۱۹۷۰ دو دولت بلژیک و اسپانیا که به صدور رأی داوری منجر شد؛ شرکت برق و نیروی بارسلونا تراکشن با مسئولیت محدود در سال ۱۹۱۱ میلادی در شهر تورنتولی کانادا به ثبت رسید، بر اساس اظهارات دولت بلژیک، سهام این شرکت به طور گسترده‌ای به اتباع بلژیک تعلق داشت. این شرکت تعدادی اوراق قرضه به پزوتای اسپانیا منتشر کرد که به وسیله وثایق و دارایی‌های شعبه‌های مختلف این شرکت در اسپانیا، تضمین شده بودند؛ در سال ۱۹۴۸ میلادی سه دارنده اوراق قرضه شرکت بارسلونا تراکشن از دادگاه اسپانیا صدور حکم ورشکستگی این شرکت را درخواست کردند. دادگاه اسپانیا حکم ورشکستگی شرکت بارسلونا تراکشن را صادر کرد و به توقیف اموال آن حکم داد. شرکت بارسلونا تراکشن و شرکت بلژیک دعوایی را در دیوان بین‌المللی دادگستری علیه اسپانیا مطرح کردند که مدعی سلب مالکیت خزنه^۱ شده و پرداخت خسارت را مطالبه نمودند. دولت اسپانیا، به این استناد که شرکت بارسلونا تراکشن شرکتی بلژیکی نیست و این که دولت بلژیک حق اعمال حمایت دیپلماتیک، اعم از حق دفاع از جانب سهامداران به تنهایی نزد دیوان را ندارد؛ به صلاحیت دیوان اعتراض کرد. [لوونفلد، ۱۳۹۰: ص ۱۰۵].

ب) اختلاف بین شرکت علیه دولت

این مورد را معمولاً اختلافات سرمایه‌گذاری یا اختلاف بین سرمایه‌گذار و دولت سرمایه‌پذیر می‌نامند. این اختلاف معمولاً زمانی ایجاد می‌شود که دولت سرمایه‌پذیر شروط قراردادی را تغییر دهد یا به برهم‌زدن قرارداد یا سلب مالکیت از شرکت اقدام نماید. سرمایه‌گذار معمولاً اختلاف خود مبتنی برای قرارداد سرمایه‌گذاری خود که اصولاً شامل مشارکت در تولید، یا قرارداد خدماتی ریسک‌پذیر یا معاهده سرمایه‌گذاری است، پیگیری می‌نماید. از جمله این اختلافات می‌توان به دعاوی مطرحه شرکت‌های برتیش پترولیوم، تاپکو، کالزباتیک و لیامکو با ادعای نقض قرارداد امتیازی در بین سال‌های ۱۹۷۱ الی ۱۹۷۴ خود علیه دولت لیبی اشاره کرد که در این دعاوی به خاطر امتناع دولت لیبی از نصب داور یا شرکت در داوری رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری داور واحدی را تصویب کرد که همه این اختلافات توسط داور واحد و تنها بر اساس لوائح ارائه شده خواهان‌ها مورد رسیدگی قرار گرفتند. [لوونفلد، ۱۳۹۰: ص ۶۹].



ج) اختلاف بین شرکت‌های نفتی علیه یکدیگر

به این دسته، اختلافات تجاری بین‌المللی گفته می‌شود. در این مورد، نیز اختلافات به دو دسته فرعی نیز تقسیم می‌شود: اختلافات موجود بین اعضای یک کنسرسیوم یا قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک یا جوینت ونچر، مانند اختلاف اعضای قرارداد مشارکت در عملیات تولید؛ قرارداد مشارکت در یکسان‌سازی؛ قراردادهای برون‌سپاری؛ قراردادهای منطقه مشترک المنافع؛ قراردادهای مطالعه و مناقصه؛ قراردادهای خرید و فروش و در نهایت قراردادهای حفظ محرمانه‌گی^۶ را شامل می‌شود.

¶ Joint Operation Agreements.

¶ Unitization Agreements.

¶ Farmout Agreements.

¶ Area of Mutual Interest Agreements.

¶ Study and Bid Agreements.

¶ Confidentiality Agreements.

اما دسته دیگری از اختلافات وجود دارد که بین بهره‌برداران و پیمانکاران خدماتی به وجود می‌آیند، مانند قراردادهای حفاری چاه، قراردادهای لرزه‌نگاری، قراردادهای ساخت، قراردادهای تجهیز و ساخت تأسیسات، قراردادهای حمل و نقل و پردازش که این اختلافات بیش‌ترین آمار را در حوزه نفت و گاز دارند.

د) اختلافات یا دعاوی اشخاص علیه شرکت‌های نفتی

افراد تحت شرایطی علیه شرکت دعوی مطرح می‌کنند. برای مثال، دسته اول شامل مواردی است که افراد از فعالیت شرکت دچار صدمه بدنی یا خسارت مالی می‌شوند. دسته دوم از این اختلافات، زمانی رخ می‌دهد که اشخاصی که در ایجاد و شکل‌گیری قراردادهای نفت و گاز نقش داشته‌اند، ادعا حق و حقوقی برای خود از قراردادهای دست اول (بین کشور سرمایه‌پذیر و پیمانکار اصلی یا سرمایه‌گذار) یا قرارداد مشارکت در بهره‌برداری دارند. گروه سوم از این دعاوی، عبارت است از دعاوی نمایندگان یا مشاورانی که تقاضای پرداخت حقوق خود را مطابق با قرارداد نمایندگی به علت انعقاد با قرارداد با دولت دارند. [Timothy A. Martin, Dispute resolution in the international energy sector: an review, journal of world energy law and business 2011, vol. 4 No, 4. P.332-340].

بر خلاف موارد مذکور، در یک تقسیم‌بندی دیگر، اختلافات نفتی را می‌توان از جهت موضوع به چهار دسته تقسیم کرد: ۱. اختلافات تجاری، مانند اختلافات مبتنی بر مالیات‌های یا هزینه‌ها؛ ۲. اختلافات ناشی از ترانزیت، مانند اختلافات ایجاد شده در خصوص آزادی انتقال بین کشورهای دیگر؛ ۳. اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری، مانند به هم‌زدن یک طرفه قرارداد سرمایه‌گذاری؛ ۴. اختلافات مرتبط با محیط زیست، مانند دعاوی ناشی از ضرر و زیان به محیط زیست. [Zewei, Yang, "The Energy Charter Treaty and Dispute Settlement of Transnational Energy Pipelines", p. 4.] در حالی است که سیستم حل اختلاف پیمان منشور انرژی صرفاً به دو دسته اختلافات

۱ - Seismic Contracts.

۲ - Equipment and Facilities Contracts.

۳ - Transportation and Processing contracts.

رسیدگی می‌کند: دسته اول اختلافات بین دولت‌ها، و دسته دوم اختلافات بین سرمایه‌گذار و دولت سرمایه‌پذیر. بنابراین، مابقی اختلافات مطابق شرایط حاکم بر قرارداد و یا قانون حاکم روند رسیدگی خاص خود را خواهند داشت.

۳. راه‌حلهای حل اختلاف در معاهده منشور انرژی

منشور، چندین مکانیسم حل و فصل اختلافات برای موضوعات مشخصی از معاهده تعیین کرده که دو مکانیسم آن الزامی است:

الف) اختلافات دولت با دولت

(ماده ۲۷ منشور) - الزاماً از طریق داوری حل می‌شوند، به استثنای اختلافات مربوط به کارایی و محیط زیست (مواد ۶(۷) و ۲(۲۷) که راه حل ساده‌تر و میانه‌ای، از جمله مشاوره و سازش را به کار می‌بندند.

ب) اختلافات بین سرمایه‌گذار و دولت میزبان

(ماده ۲۶) - مقررات پیمان منشور انرژی راجع به حل اختلافات در بخش تجارت از مدل مقررات داوری سازمان تجارت جهانی و در بخش سرمایه‌گذاری از معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه تبعیت می‌کند. برعکس در بخش ترانزیت، کارایی و محیط زیست شکل جدیدی به خود می‌گیرند و نقش پیشگامانه‌ای ارائه می‌کنند.

در خصوص اختلاف میان دولت‌ها، دولت‌ها باید ابتدائاً از طریق روش‌های دیپلماتیک و سیاسی و به نحو دوستانه‌ای مسئله را حل کنند (بند ۱ ماده ۲۷). در غیر این صورت طبق بند ۲ ماده ۲۷ اختلافات بلافاصله به نهاد داوری توافقی ارجاع خواهد شد. طبق بند ۱ ماده ۲۶، اختلافات در صورت امکان بایستی از طریق دوستانه و از طریق مشاوره و مذاکره ظرف سه ماه حل و فصل شود. اگر راه حل اول به نتیجه نرسید، طبق بند ۲ از ماده ۲۶، سرمایه‌گذار خارجی از روش‌های ذیل می‌تواند استفاده کند:

- چنانچه معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری میان آن‌ها وجود داشته باشد و در آن رویه خاصی به منظور حل اختلاف پیش‌بینی شده باشد، بر مبنای آن عمل خواهد شد.



مراجعه به داوری بین‌المللی، حق انتخاب بین اشکال مختلف داوری بین‌المللی طبق بند ۴ از ماده ۲۶ به شرح ذیل است:

الف) مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری واشنگتن مصوب ۱۹۶۵ به وسیله کنوانسیون ایکسید. البته این در صورتی است که دولت شخص سرمایه‌گذار و نیز دولت سرمایه‌پذیر عضو ایکسید باشند.

ب) مراجعه به یک داور یا یک نهاد داوری توافقی بر اساس قواعد داوری آنسیترال. بند ۷ از ماده ۲۹ منشور، مکانیسم حل و فصل اختلافات مربوط به تجارت را بر اساس مدل «هیأت رسیدگی» که تا اندازه‌ای برگرفته از مدل سازمان تجارت جهانی و گات است، توضیح می‌دهد. این شیوه فقط در موردی که حداقل یکی از طرفین اختلاف عضو سازمان تجارت جهانی نیست، اعمال می‌شود. به عنوان مثال، ایران چون هنوز به سازمان تجارت جهانی ملحق نشده است، در صورت عضویت در پیمان منشور انرژی، چنانچه اختلافی راجع به موضوعات تجارت به وجود آید، این اختلاف طبق مدل هیأت رسیدگی حل اختلاف پیمان منشور انرژی حل و فصل خواهد شد. این امر مانع آن است که طرفین به سایر روش‌های موازی حل اختلاف که برای خود مساعدتر می‌دانند، مراجعه کنند. بنابراین، مواد ۲۶ و ۲۷ منشور در مورد تجارت اعمال نخواهد شد، مگر در مورد ماده ۲۸ که در موضوعات سرمایه‌گذاری مربوط به تجارت (Trade Related Investment Measure)، طرفین می‌توانند با توافق کتبی به راه حل داوری طبق ماده ۲۷ عمل نمایند. علاوه بر این، ماده ۲۹ در مورد موضوعات مرتبط با سرمایه‌گذاری، منعی برای سرمایه‌گذاران خارجی جهت اقامه دعوا طبق ماده ۲۶ ایجاد نمی‌کند. طرفین اختلاف می‌توانند هم از طریق مکانیسم هیأت رسیدگی و هم از طریق مکانیسم مربوط به حل اختلاف بین دولت و سرمایه‌گذار، اقدام کنند.

بند ۱ ماده ۲۶ معاهده منشور مقرر می‌دارد: - «اختلافات میان یک طرف متعاقد و سرمایه‌گذار متبوع یکی دیگر از کشورهای عضو معاهده در خصوص سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذار در قلمرو دولت سرمایه‌پذیر که به تخلف دولت میزبان از یک تعهد مندرج در بخش سوم معاهده مربوط باشد تا حد ممکن از طریق مذاکرات دوستانه حل و فصل خواهد شد.»

بند ۱ ماده ۲۶ تنها ناظر به اقدام سرمایه‌گذار علیه کشور سرمایه‌پذیر است و در خصوص امکان طرح دعوا از طرف کشور سرمایه‌پذیر علیه سرمایه‌گذار ساکت است. از آنجا که این بند اشاره دارد که اختلاف باید ابتدائاً از طریق طرق حل و فصل دوستانه حل شود؛ نمی‌توان دعوایی را بدون مقدمه مذکور در مراجع قضایی مطرح کرد. در ضمن قابل ذکر است که اکثر حقوق‌دان‌ها طرح دعوای متقابل را از طرف دولت در مراجع قضایی مجاز دانسته‌اند؛ لیکن طرح دعوای مقدماتی از طرف دولت نسبت به سرمایه‌گذار به دلیل عدم رعایت مقدمه حل اختلاف از طریق مذاکرات مردود دانسته‌اند. [صادقی و ...، ۱۳۸۸: ص ۳۸۴]. ولیکن از آنجا که متن ماده صراحتاً چنین حقی را صرفاً برای سرمایه‌پذیر به رسمیت شناخته است، لذا دولت سرمایه‌پذیر در این خصوص نسبت به طرح دعوی حقی ندارد.

طرفین قراردادی به روش‌های گوناگونی راه‌حل‌هایی برای حل و مدیریت اختلاف خود در قرارداد شرط می‌نمایند. یکی از این موارد، گذاشتن شرط حل اختلاف در قرارداد خودشان است و دیگری زمانی است که به طور واقعی بین طرفین اختلافی ایجاد شده است و طرفین قرارداد برای حل و مدیریت این اختلاف قرارداد خاصی تنظیم می‌نمایند که ممکن است در این قرارداد حتی داور یا هیأت داورانی معین شود. اما در مورد تجارت نفت و گاز شیوه‌های حل اختلاف به شکل ذیل است.

۴. اصول حاکم بر مقررات پیمان منشوری انرژی و رویه‌های داوری

الف) اصل رفتار منصفانه و عادلانه^۱

در بین تکالیفی که در بند ۱ ماده ۱۰ آمده است، طرفین موظفند در طول زمانی که سرمایه‌گذار مشغول به سرمایه‌گذاری است، طرف دیگر، یعنی کشور سرمایه‌پذیر می‌بایست رفتار منصفانه و عادلانه‌ای با سرمایه‌گذار داشته باشد. اگرچه معاهده منشور انرژی به صورت مفصل و مبسوط تعریف دقیقی از این اصل ارائه نداده است؛ از نگاه



^۱ - Fair and Equitable treatment

معاهده این اصل بیش تر شبیه مقررات موجود در اکثر موافقت‌نامه‌های دوجانبه است. دیوان‌های داوری موجود در این معاهده این اصل را مطابق با دیوان‌های داوری در خارج از معاهده منشور انرژی تفسیر نموده‌اند. موضوعی که دیوان‌های داوری با آن درگیر هستند، این است که این اصل، یعنی اصل رفتار منصفانه و عادلانه با اصول دیگری که در بند ۱ ماده ۱۰ معاهده منشور انرژی بیان شده است، هم‌پوشانی دارد. برای مثال، اصل عدم اعمال رفتار تبعیض‌آمیز با رفتاری خاص محقق نمی‌شود، بلکه مجموعه‌ای از برخی رفتارها به نقض این اصل منجر می‌شود. در رأی صادره در خصوص *Ascom v, Kazakhstan* اصل رفتار منصفانه و عادلانه در معاهده منشور انرژی مطابق با مقررات تفسیری کنوانسیون ژنو در باره حقوق تجارت مورد تفسیر قرار گرفته است. دیوان نظر داده است که اصل رفتار منصفانه را نباید صرفاً در قانونی مجزا مورد تفسیر و بررسی قرار داد، بلکه باید با اضلاع و احوال واقعی مورد تفسیر قرار گیرد. در این پرونده، داوران لیستی از قوانین تصویب شده در کشور قزاقستان را مورد بررسی قرار دادند. در ادامه نهادهای مختلف داوری و ادعاهای مطروحه در آن‌ها مورد مطالعه قرار گرفت. سپس به بررسی تعدادی از سرمایه‌گذاران حقیقی و حقوقی در حوزه نفت و گاز پرداختند. دیوان اعتقاد داشت برای بررسی نقض رفتار منصفانه باید تمامی این قوانین مورد ارزیابی قرار گیرد. این قوانین باید در طول یک دوره بلندمدت و در کنار سایر فاکتورها و به صورت جزئی مورد بررسی قرار گیرد. در نهایت دیوان داوری تصمیم گرفت مجموعه‌ای از این قوانین و اقدامات کشور قزاقستان مخالف اصل رفتار منصفانه بوده است. [Aanatolie .Stati, Gabriel Stati, Ascom Group S.A. and

Terra .Raf Trans Traiding Ltd. V. Kazakhstan, SCC Arb. V (116/2010), p. 945 .

(available (March-2017)]<http://www.italaw.com/sites/default/files/case-documents/italaw3083.pdf>

سؤالی که به ذهن می‌رسد این است که چه مقرراتی به نقض اصل رفتار منصفانه منجر می‌گردد که در پاسخ می‌توان گفت مقرراتی موجب نقض اصول حاکم بر منشور انرژی خواهد بود که استانداردهای مشخص شده در این پیمان را نقض نماید و دیوان‌های داوری در مقابل آن به پرداخت خسارت به نفع سرمایه‌گذار رأی داده‌اند.



برای مثال در پرونده *Electrabel S.A. v. Republic of Hungary*، خواهان که سرمایه‌گذار نیروگاه تولید برق بود، علیه کشور مجارستان دعوایی را در دیوان مطرح کرد که طی آن مدعی شد، موافقت دولت مجارستان با تصمیم کمیسیون اروپا در خصوص فسخ قرارداد خرید برق و دیگر مقررات مرتبط با قیمت برق نقض اصل رفتار منصفانه و خلاف مقررات معاهده منشور انرژی می‌باشد. اما دیوان دعوی خواهان را به دلیل این که هیچ کدام از این تصمیمات خلاف اصل حسن نیت و منطقی نبوده است، با رد از طرف دیوان روبه‌رو شد. [Electrabel S.A. v. Republic of Hungary, ICSID Case NO. ARB/07/19, Decision on Jurisdiction, Applicable law and liability, 8.32-36, Part VIII- page 9. (available March-2017) <http://www.italaw.com/sites/default/files/case-documents/italaw4495.pdf>.]

حتی در یک پرونده مشابه دیگری به نام *AES v. Hungary*، خواننده دعوی داوری که سرمایه‌گذار حوزه انرژی بوده است به علت تغییر مقررات حاکم بر قیمت‌گذاری برق، دعوایی علیه کشور مجارستان مطرح می‌کند و ادعا می‌کند تغییر مقررات حاکم بر قیمت‌گذاری برق، نقض معاهده منشور انرژی می‌باشد؛ اما دیوان دعوی او را رد می‌کند و استدلال می‌کند کاهش قیمت برق ناشی از ماهیت سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی است، به طوری که سرمایه‌گذار با ورود به این حوزه، ریسک‌های رایج در آن حوزه را نیز پذیرفته است و در این خصوص دولت مجارستان رفتار ناعادلانه‌ای در انجام نداده است بنابراین دعوی خواهان نیز رد شد.

ب) اصل ایجاد حداکثر امنیت و مراقبت پایدار^۱ یا حمایت و امنیت کامل

در خصوص این اصل، دو تفسیر مختلف وجود دارد: یک تفسیر مضیق و دیگری موسع. در تفسیر مضیق، این اصل دلالت بر شرط مراقبت پلیسی^۲ است؛ بدین معنا که این شرط صرفاً مراقبت پلیسی را در حداکثر ظرفیت آن برای بیگانگان فراهم می‌کند. بنابراین، با

^۱ - Most Constant Protection and Security.

^۲Police Protection Clause.

^۳.Due diligence effort of police protection for foreigners.

توجه به تفسیر مضیق، اگر دولت سرمایه‌پذیر قوانینی را تصویب کند که به ایداء و اذیت سرمایه‌گذار و سرمایه‌وی منجر گردد و امنیت وی و سرمایه‌اش را به خطر اندازد، در این خصوص اصل حمایت و امنیت کامل نقض شده است. [Walde, T. W, Investment Arbitration Under the Energy Charter Treaty- From Dispute Settlement to Treaty Implementation, 12 ARB. Note 49, at 288. (1996)]

تفسیر موسع این اصل، حاکی از آن است که هیچ‌یک از طرفین قراردادی مشمول معاهده منشور انرژی، نباید اقدامات مدیریتی، حفاظتی، انحلال، استفاده غیر متعارف یا تبعیض‌آمیزی را از طریق قانون‌گذاری انجام دهند که سبب ورود خسارت به طرف دیگر شود. با توجه به این تفسیر، می‌توان گفت این اصل نه تنها مراقبت‌های امنیتی و فیزیکی را نسبت به سرمایه و سرمایه‌گذار مورد توجه قرار می‌دهد، بلکه اقدامات شامل اختیارات قانون‌گذاری و اقتصادی دولت‌ها نیز می‌گردد؛ بدین شکل که دولت‌ها نباید مقرراتی وضع نمایند که امنیت پایدار سرمایه و سرمایه‌گذار را تهدید نماید. این اصل در واقع، سرمایه‌گذاران را از ایجاد هرگونه محدودیت‌های ناشی از اختیارات دولتی و یا سوء استفاده از اعمال برتری و قدرت دولتی که معمولاً به خاطر انحصار دولتی یا امکانات یا تسهیلات اصلی و دیگر منابعی که در اختیار دولت است، ایجاد می‌شود، محافظت می‌نماید.

تعیین استانداردهای حداکثر امنیت و مراقبت پایدار از سرمایه‌گذار برای کلیه سرمایه‌گذاری‌ها، اهمیت خاصی دارد؛ مخصوصاً در حوزه سرمایه‌گذاری در بخش انرژی به لحاظ ریسک‌های موجود در آن از اهمیت خاصی برخوردار است. البته این اهمیت ناشی از نیاز حجم گسترده‌ای از سرمایه‌گذاری در این حوزه و ریسک‌های زیاد موجود در این بخش است و تأمین امنیت و مراقبت پایدار از سرمایه‌گذار ریسک تغییر مقررات در حوزه انرژی را پوشش می‌دهد. در بخش انرژی معمولاً قراردادهایی که بین تولیدکننده و خریدار انرژی منعقد می‌شود، معمولاً بلندمدت می‌باشند که این طولانی‌بودن مدت این قراردادها ریسک‌های زیادی در خصوص تغییر قوانین و مقررات به سرمایه‌گذار تحمیل می‌کند. در پرونده *Plama Consortium, Ltd. v. Republic of Bulgaria* دیوان اعلام کرد که شیوه مناسب جهت تجزیه و تحلیل بند ۱ ماده ۱۰ منشور معاهده انرژی این است

که اقدامات مراقبتی و محافظتی مختلف را در کنار هم باید مورد توجه قرار داد.

[Plama Consortium Ltd. v. Republic of Bulgaria, ICSID Case No. ARB/03/24, Award, section 162-63]

برخی از دیوان‌های داوری در خصوص حداکثر مراقبت و امنیت پایدار اعتقاد دارند که رعایت این اصل یکی از قوانین امری است که بر مبنای عقل و عرف بنا شده است. البته این اصل مسئولیت مطلق برای دولت سرمایه‌پذیر ایجاد نمی‌کند. برای مثال، دیوان داوری در خصوص پرونده AES^۱ پذیرفت این اصل، دولت‌ها را ملزم می‌کند که شرایط مناسبی برای حمایت از سرمایه‌گذار فراهم نمایند؛ یا این که شرایطی برای سرمایه‌گذار ایجاد کند که آن‌ها بتوانند از خودشان در مقابل آزار و اذیت و موانع ایجاد شده توسط اشخاص مراقبت نمایند. در این پرونده سرمایه‌گذار که در حوزه انرژی سرمایه‌گذاری کرده بود، ادعا کرد که دولت مجارستان اقدامات مراقبتی خود را در خصوص سرمایه‌گذاران در حوزه ساخت نیروگاه‌های برق انجام نداده است؛ اگرچه اصلاحاتی نیز در قانون برق خود انجام داده و متعاقب آن اقدام به کاهش قیمت برق نموده است. سرمایه‌گذار ادعا نمود که این اقدام دولت مجارستان به کاهش ارزش سرمایه‌گذاری صورت گرفته، منجر شده است. دیوان داوری اعلام نمود که اصل حداکثر اقدامات امنیتی و مراقبتی انجام شده است و چون در گذشته، هیچ قراردادی در خصوص فروش برق منعقد نشده است به واسطه کاهش قیمت برق، سرمایه‌گذار در معرض ضرر قرار گیرد؛ لذا نقضی در خصوص اصل حمایت و امنیت کامل صورت نگرفته است. بنابراین، دعوای سرمایه‌گذار را رد نمود. در برخی از مواد قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی ایران مصادیقی از رعایت حمایت و امنیت کامل بیان شده است. برای مثال در ماده ۱۳ خروج اصل سرمایه امکان پذیر خواهد بود. بدین شکل که ماده ۱۳ مقرر می‌دارد: «اصل سرمایه خارجی و منافع آن یا آنچه که از اصل سرمایه در کشور باقی مانده باشد، با دادن پیش آگهی سه ماهه به هیأت و بعد از انجام کلیه تعهدات و پرداخت کسورات قانونی و تصویب هیأت و تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی قابل

۱۷



بررسی اصول حاکم بر رویه داوری پیمان منشور انرژی

^۱ http://www.italaw.com/sites/default/files/case-documents/ita0014_0.pdf

^۲ - Non-existent stability agreement.

انتقال به خارج خواهد بود.» در ادامه، ماده ۱۴ مقرر می‌دارد: «سود سرمایه‌گذاری خارجی پس از کسر مالیات و عوارض و اندوخته‌های قانونی با تصویب هیأت و تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی قابل انتقال به خارج است» و در نهایت ماده ۱۵ بیان می‌دارد: «پرداخت‌های مربوط به اقساط اصل تسهیلات مالی سرمایه‌گذاران خارجی و هزینه‌های مربوطه، قراردادهای حق اختراع، دانش فنی و مهندسی، اسامی و علائم تجاری، مدیریت و قراردادهای مشابه در چارچوب سرمایه‌گذاری خارجی بر اساس مصوبات هیأت و تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی، قابل انتقال به خارج می‌باشد.» البته این موارد اصل امنیت را به صورت مشروط و معلق به تصویب یک مقام دولتی یا هیأت قرار داده است که به طور کامل نمی‌تواند تضمین امنیت سرمایه‌گذار باشد.

ت) اصل عدم ایجاد شرایط سخت با انجام اقدامات تبعیض‌آمیز و نامتعارف نسبت به سرمایه‌گذار^۱

این اصل به عنوان استاندارد عدم رفتار نا برابر شناخته می‌شود. بند یک ماده ۱۰ معاهده منشور انرژی بیان می‌دارد: «هیچ‌یک از طرفین قرارداد نباید با هر شکل اقدام تبعیض‌آمیز و غیر متعارف شرایط را برای طرف دیگر سخت و دشوار نماید.» در واقع استاندارد عدم تبعیض از نظر معاهده منشور انرژی کشورهای عضو را از هر گونه اقدامات تبعیض‌آمیز و نامتعارف بر خلاف سرمایه‌گذاری‌های تحت حمایت منع نموده است. در واقع طرفین قراردادی باید شروطی را که در قراردادهای مشابه سرمایه‌گذاری برای حمایت از سرمایه منظور گردیده است، رعایت کنند و عدم رعایت آن‌ها به معنای اقدام تبعیض‌آمیز و نامتعارف خواهد بود. در دیوان‌های دواری معاهده منشور انرژی جهت بررسی پرونده‌هایی که با عنوان رفتار تبعیض‌آمیز و نامتعارف طرح شده است. دیوان در ابتدا به بررسی این موضوع پرداخته است که آیا در واقع عمل تبعیض‌آمیز یا نامتعارف انجام شده است یا نه برای مثال در دیوان داوری AES این رویکرد مورد توجه قرار گرفت. بازنگری دولت مجارستان در خصوص قوانین و مقررات قیمت انرژی به

^۱-Impairment by Unreasonable and discriminatory Measures.

^۲- Non-Impairment standard.

کاهش قیمت برق منجر شد. پیرو این کاهش قیمت، خواهان که سرمایه‌گذار بخش انرژی می‌باشد، به دیوان داورى جهت حل اختلاف مراجعه می‌کند. خواهان ادعا می‌کند که سرمایه‌گذاری او بر مبنای قیمت برق در زمان سرمایه‌گذاری بوده است؛ این افزایش موجب به هم خوردن تعادل اقتصادی و مالی این قرارداد می‌شود. بنابراین، این اقدام موجب کاهش درآمد سرمایه‌گذار خواهد شد. دیوان به بررسی این موضوع پرداخت که آیا این اقدام عمدی و غیرمعارف است یا نه. دیوان ابتدا دنبال این بود که آیا توجیه منطقی برای این اقدام از طرف دولت مجارستان وجود دارد یا خیر. برای پاسخ این سؤال دلایلی را که دولت مجارستان اقدام به کاهش قیمت برق نموده بود، را مورد بررسی قرار داد. دیوان به این نتیجه رسید که اقدام دولت دارای پشتوانه منطقی است و این اقدام دولت متناسب با خط مشی منطقی می‌باشد و کاملاً متعارف است.

در خصوص اختلاف سکوهاى نفتى Oil platforms بین ایران و ایالات متحده آمریکا، مشکل اصلی که دیوان بین‌المللی دادگستری با آن روبه‌ر شد، این سؤال بود که مطابق معاهدت مودت (treaty of Amity 1955) اختلافات در خصوص روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و آمریکا باید به وسیله دیوان داورى ایران و آمریکا حل و فصل گردد. بنابراین، دیوان بین‌المللی دادگستری در این خصوص صلاحیتی نخواهد داشت. در حکم صادره دادگاه پذیرفت که مطابق با بند ۱ ماده ۴ این معاهده، شرکت‌های آمریکایی به اجرای رفتار به شیوه عادلانه و منصفانه متعهد شده بودند؛ ولی کشور ایران ادعا داشت که شرکت‌های آمریکایی این اصل را زیر پا گذاشته‌اند؛ ولی نظر دیوان این بود که این اصل رفتار آن‌ها را که به طرح دعوای از طرف ایران منجر شده است، پوشش نمی‌دهد. اگرچه دیوان این اصل را معنا نکرد؛ قاضی هی چین Higgins عقیده مجزای خود را این گونه بیان کرده بود: شرط کلیدی رفتار منصفانه و عادلانه در خصوص افراد و شرکت‌ها و اقدامات نامتعارف و تبعیض‌آمیز در واقع شروط حقوقی هستند که در زمینه حمایت از سرمایه‌گذاری بین‌المللی معروف شده‌اند.^۱ بنابراین، برای به دست آوردن



۱ . Organization for Economic Cooperation and Development (OECD), Fair and Equitable Standard in International Investment Law, P. 14. (Working

معنای صحیح و روشن از اصل عدم رفتار تبعیض آمیز، باید به علاوه بر موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری دو یا چند جانبه، رویه‌های داوری را نیز بررسی نمود. به طور خلاصه می‌توان گفت، صلاحیت معاهده منشور انرژی در خصوص رعایت استاندارد رفتار یکسان به نتایج زیر منجر می‌شود:

- اگرچه دیوان‌های داوری در خصوص موضوع اصل برابری رویه‌های یکسانی ندارند در خصوص این اصل تفاسیر مشابه‌ای ارائه کرده‌اند؛
- حداقل در یکی از این دیوان‌ها، به جای این‌که خواهان برای ادعای تبعیض آمیز بودن رفتار خواننده دلیل اقامه نماید؛ دعوای خواهان را بدون دلیل پذیرفته است و خواننده دعوای می‌بایست برای رعایت اصل رفتار یکسان دلیل اقامه نماید.^۱

دیوان‌های داوری هنوز این مشکل را حل نکرده‌اند که چه اقداماتی را می‌توان در برابر رفتار تبعیض آمیز دولت‌ها اتخاذ کرد، بلکه صرفاً به استانداردهای رفتار غیر تبعیض آمیزی که در موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری وجود دارد، اشاره کرده است. ماده ۸ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مقرر می‌دارد: «سرمایه‌گذاری‌های خارجی مشمول این قانون از کلیه حقوق، حمایت‌ها و تسهیلاتی که برای سرمایه‌گذاری‌های داخلی موجود است، به طور یکسان برخوردار می‌باشند.» بند «ب» ماده ۴ آیین نامه قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی بیان می‌دارد: سرمایه‌گذاری در کلیه زمینه‌های مجاز برای فعالیت بخش خصوصی امکان‌پذیر است و از نظر درصد مشارکت سرمایه‌گذاری خارجی محدودیتی وجود ندارد. اصل رفتار یکسان و عدم تبعیض بین سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، همان‌طور که در معاهده منشور انرژی به صراحت بیان شده

Papers on International Investment, 2004/03, OECD Publishing. Available at: https://www.oecd.org/daf/inv/investment-policy/WP-2004_3.pdf (March- 2017).

- for further information see: arbitration institute of Stockholm Chamber of Commerce Arbitration No- 080/2005- Claimant (Limited Liability Company AmtO) and Respondent (Ukraine). Available at: <http://cisarbitration.com/wp-content/uploads/2013/02/AMTO-LLC-v-Ukraine-SCC-Arbitration-No.-082005-Award-dated-26-March-2008.pdf>(March-2017).

است و رویه داوری نیز آن را به رسمیت شناخته است؛ در حقوق موضوعه ایران این اصل به صراحت در ماده اخیرالذکر قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی بیان شده است. در ضمن، عدم تغییر شرایط حاکم بر قرارداد به لحاظ حقوقی و اقتصادی از طریق شرط ثبات در قراردادها تضمین می‌گردد.

ج) اصل رعایت حداقل استانداردهای رفتاری

این اصل یکی از عناصر شناخته شده در عرف حقوق بین‌المللی است که وظیفه آن، مدیریت رفتارهای طرفین معاهدات است. در واقع شکلی از عرف حقوق بین‌الملل است که رفتار طرفین قرارداد را با مجموعه‌ای از اصولی که دولت‌ها بدون توجه به حقوق و رویه داخلی خود در برابر اشخاص بیگانه و سرمایه آن‌ها خود را نسبت به آن‌ها ملزم می‌دانند؛ تعریف می‌کند. در حالی که در اصل رفتار ملی طرفین تلاش می‌کند رفتار مساوی و برابری با افراد داشته باشند. هدف از اصل رعایت حداقل استاندارد، ترغیب دولت‌ها به یک سری از حقوقی است که توسط حقوق بین‌الملل برای ایجاد پیمان‌های بین‌المللی ایجاد شده است؛ فارغ از این که این حقوق را برای شهروندان خود رعایت کنند؛ ولی باید مطابق با این اصل به آن ملزم باشند.^۱



دیوان رسیدگی کننده به پرونده *Liman v. Kazakhstan* در رأی خود صراحتاً اعلام داشته است که استانداردهای حمایت از سرمایه‌گذاری مطابق مقررات حاکم بر معاهده منشور انرژی دامنه بسیار وسیع‌تری از حداقل استانداردهای بین‌المللی دارد. در واقع معاهده منشور انرژی از معاهده دو یا چند جانبه تجارت آزاد متفاوت است و معنای آن این است که حداقل استانداردهای موجود در حوزه معاهده منشور انرژی از بقیه عرف‌های موجود در حقوق تجارت بین‌الملل دارای دامنه‌ای وسیع‌تر و گسترده‌تر است.

^۱ - See generally Arif Ali & Kassi Tallent, supra note 50 (describing the origins of the international minimum standard of treatment of aliens and the effects of FET on the minimum standard).

د) اصل امکان گنجاندن شرط چتری^۱

گنجاندن چنین شرطی در یک موافقت نامه سرمایه گذاری می تواند حمایت دیپلماتیک دولت ها از قرارداد یا موافقت نامه را در پی داشته باشد. بنابراین، در صورت وجود اختلاف در چنین قراردادی طرفین می توانند هم از ضمانت اجرای قراردادی و مدنی و هم از ضمانت اجرای حقوق بین الملل عمومی بهره مند شوند. در رویه معاهده منشور انرژی، به طور کلی، دیوان های داوری این شرط را در جزء تعهدات قراردادی در نظر گرفته اند. در پرونده *Mohammad Ammar AL-Bahloul v. Republic of Tajikistan* سرمایه گذار نفت و گاز ادعا کرد که او به لحاظ قراردادی مستحق دریافت امتیاز انحصاری از دولت تاجیکستان برای اکتشاف نفت را دارد. دیوان پذیرفت که دولت شرط مندرج در معاهده منشور انرژی را در خصوص عدم صدور امتیازات به خواهان را نقض کرده است و البته این موضوع به صورت شرط تعهدات نامحدود در قرارداد آنها مندرج شده بود. به طور کلی می توان گفت که پیمان منشور انرژی به صورت موسع و باز، شرط چتری را بیان کرده است که همین امر موجب شده است تفاسیری متفاوتی از این موضوع در دیوان های داوری به چشم بخورد؛ اگرچه دیوان ها به طور کلی این شرط را به صورت پوششی برای تعهدات قراردادی دولت ها در نظر گرفتند.

ه) اصل جلوگیری از سلب مالکیت^۲

در خصوص دعوایی سلب مالکیت مستقیم غیر قانونی، تا به امروز در شش مورد دیوان های داوری رأی نهایی صادر کرده اند که در دو مورد به نفع خواهان پرونده، یعنی سرمایه گذار حکم صادر شده؛ اما در چهار مورد خواهان دعوی ناموفقی داشته است.

^۱ - Umbrella Clause
unlimited obligation clause.

^۲ *Mohammad Ammar AL-Bahloul v. Ukraine*, SCC Arab. 080/2005, Final Award, available at : http://www.italaw.com/sites/default/files/case-documents/ita0023_0.pdf (March- 2017).
-expropriation ^۴

خلاصه قضایای مذکور به شرح ذیل است.

در دعوی کارداسوپولوس به طرفیت گرجستان، دیوان داوری لغو امتیاز توزیع نفت و گاز گرجستان توسط دولت را مغایر ماده ۱۳ منشور دانسته و آن را نوعی سلب مالکیت مستقیم غیرقانونی دانست. خواهان مشارکت در سرمایه‌گذاری با یک شرکت نفتی دولتی گرجستان به نام ساک ناوتوبی، منعقد کرده بود که امتیاز انحصار ساخت خطوط لوله و حمل فرآورده‌های نفتی در سراسر گرجستان را به آن شرکت می‌داد. با وجود این، دولت گرجستان بر اساس مصوبه هیأت وزیران در اواسط دهه ۱۹۹۰، بدون پرداخت هیچ غرامتی امتیاز مذکور را لغو کرد.^۱ در این مورد، دیوان داوری به این نتیجه رسید که شرایط دعوی آقای کارداسوپولوس شکل امروزی از مصادره‌های مستقیم کلاسیک است. همچنین مصادره مذکور طبق بند ۱ ماده ۱۳ منشور به صورت غیر قانونی انجام شده است؛ چرا که سلب مالکیت طبق قانون صورت نگرفته و در قبال آن هیچ نوع غرامت پرداخت نشده است. دیوان داوری بیان داشت که بر مبنای شرایط حاضر و طبق حقوق بین‌الملل، معیار مناسب جهت جبران خسارات، غرامت کامل خواهد بود که باید بر اساس قیمت عادلانه بازار که توسط خواهان مطالبه شده و فوراً پیش از آن تاریخی که دولت گرجستان حکم به مصادره را مصوب نموده؛ پرداخت گردد تا از ارزش سرمایه‌گذاری در اثر اقدامات دولت در تکمیل مصادره، کاسته نشود. در نهایت دولت گرجستان به پرداخت ۴۵ میلیون دلار در حق خواهان محکوم شد. [استیفن، ۱۳۹۵: ص ۱۰۹].

البته در حقوق بین‌الملل از «سلب مالکیت»^۱، به عنوان حقی که در مفهوم موسع مورد شناسایی قرار گرفته است و قطع نظر از تابعیت و وضعیت مالی اشخاص در موردشان اعمال می‌شود. سلب مالکیت برای رفع نیازهای عمومی و با هدفی معین صورت می‌گیرد و منظور از آن، استفاده از مال در زمینه‌ای است که به موجب قانون تصریح شده است. [سلجوقی، ۱۳۷۷:]

^۱ - Ioannis Kardassopoulos v. Georgia, ICSID Case No, ARB/05/18, Award, 3 March 2010, para.92.
Expropriation



ریسک مصادره هنگامی رخ می‌دهد که دولت میزبان بدون دادن تاوان و خسارت منطقی به سرمایه‌گذار، پروژه را مصادره کند. مصادره به دو صورت رخ می‌دهد:

الف) به صورت ناگهانی، مانند ملی کردن صنایع و کارخانجات؛

ب) به صورت تدریجی، مانند تغییرات تدریجی در قوانین، مالیات‌ها یا تعرفه‌ها پس از اتمام دوران ساخت پروژه، به گونه‌ای که مالکیت پروژه به تدریج به واسطه این تغییرات مستمر در اختیار دولت قرار بگیرد. این نوع از سلب مالکیت را «سلب مالکیت خزنده»^۱ که در واقع مفهومی نوین است که بنا به ارتباط آن با سلب مالکیت در سرمایه‌گذاری خارجی مطرح است. اقدامات صورت گرفته از طرف دولت میزبان، به سلب مالکیت نرم منتهی می‌شود. در این خصوص می‌توان به عدم پرداخت، فسخ قرارداد، عدم دسترسی به دادگاه، عدم پایبندی به قواعد معامله و مواردی از این قبیل اشاره کرد [علیدوستی شهرکی، ۱۳۹۰: ص ۲۸۷-۳۰۰].

ماده ۱۳ معاهده منشور انرژی به این امر اختصاص یافته است و از جمله اصول حمایتی از سرمایه‌گذاران، بحث تعهد به عدم سلب مالکیت است؛ زیرا یکی از خطراتی که سرمایه‌گذاران در حوزه انرژی سرمایه‌گذاران خارجی را تهدید می‌کند، بحث سلب مالکیت از آن‌ها است. با توجه به سابقه چنین رفتاری در گذشته که پیرو برخی انقلابات در برخی کشورها صورت گرفته است، این نگرانی عمیق شده است. البته معاهده منشور انرژی سلب مالکیت یا ملی سازی را اگر با هدف منافع عموم، بدون تبعیض، مطابق با قانون، همراه پرداخت خسارت فوری، کافی و مؤثر باشد؛ با تفسیر موسع از بند یک ماده ۱۳ معاهده منشور انرژی، این معاهده اجازه داده است که نسبت به سلب مالکیت مستقیم و غیرمستقیم هر دو باید اقدامات جبرانی صورت گیرد. اعمال دولت یا حکومت که به سلب مالکیت منجر شود، حتی اگر به صورت رسمی صورت نگیرد، ولی به انتقال مالکیت منجر شود نیز مشمول جبران خسارت خواهد بود.

[Thomas W. Walde, Energy Charter Treaty-based Investment Arbitration, 1:3 TRANSANTIOAL DISP.MGMT. 47 available at:

.Creeping or Indirect expropriation

http://arbitrationlaw.com/files/free_pdfs/tc_toc_invsmtarbnrgchrtrtry.pdf
(March 2017).]

در پرونده کارداسوپولوس به طرفیت دولت گرجستان، دیوان داوری لغو امتیاز توزیع نفت و گاز گرجستان توسط دولت را مغایر ماده ۱۳ معاهده منشور انرژی دانسته و آن را نوعی سلب مالکیت مستقیم غیر قانونی دانست. خواهان، قرارداد مشارکت در سرمایه‌گذاری با یک شرکت نفتی دولتی گرجستان به نام ساک ناوتویی، منعقد کرده بود که امتیاز انحصار ساخت خطوط لوله و حمل فرآورده‌های نفتی در سراسر گرجستان را به آن شرکت می‌داد. با وجود این، دولت گرجستان براساس مصوبه هیأت وزیران در اواسط دهه ۱۹۹۰، بدون پرداخت هیچ غرامتی امتیاز مذکور را لغو کرد. ماده ۹ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در این خصوص مقرر می‌دارد: «سرمایه‌گذار خارجی مورد سلب مالکیت و ملی شدن قرار نخواهد گرفت، مگر برای منافع عمومی، به موجب فرآیند قانونی، به روش غیر تبعیض‌آمیز و در مقابل پرداخت مناسب غرامت به مأخذ ارزش واقعی آن سرمایه‌گذاری بلافاصله قبل از سلب مالکیت.» بند «الف» ماده ۴ آیین‌نامه قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی تأکید می‌کند سرمایه‌گذاران خارجی از رفتار یکسان با سرمایه‌گذاران برخوردارند؛ سرمایه‌گذاری در قبال ملی شدن و سلب مالکیت تضمین می‌شود و سرمایه‌گذاری خارجی در این موارد حق دریافت غرامت را دارد. بنابراین نگاه قانون ایران به مسئله سلب مالکیت مطابق با چارچوب پذیرفته‌شده در پیمان منشور انرژی است.

۲۵



بررسی اصول حاکم بر رویه داوری پیمان منشور انرژی

نتیجه‌گیری

ایران سال‌ها است که از سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های خارجی در حوزه نفت و گاز بهره می‌برد. قبل از انقلاب اسلامی به تدریج با تصویب قانون تفحص و اکتشاف نفت در

۱. Ioannis Kardassopoulos v Georgia, ICSID Case No. ARB/05/18, Award, 3 March 2010, Para. 92.

بهزاد صغیری، «معاهده منشور انرژی، دامنه اختلافات و تصمیمات» نشریه کانون وکلای دادگستری، شماره ۴۲ تابستان ۱۳۹۵، ص ۱۱۳].

سال ۱۳۳۶ قراردادهای امتیازی جای خود را به قراردادهای مشارکت دادند و سپس از ۱۳۵۳ با تصویب قانون نفت دولت ایران دیگر امکان انعقاد قراردادهای مشارکت منتفی شد و شرکت ملی نفت ایران می‌توانست صرفاً قراردادهای خدماتی با شرکت‌های خارجی منعقد نماید. حتی در این خصوص حق انعقاد قرارداد نسبت به مرحله تولید یا بهره‌برداری را نداشت تا این‌که بعد از انقلاب، از سال ۱۳۷۳ مدل قراردادی بای‌بک به عنوان تنها مدل قراردادی جهت انعقاد قرارداد اکتشاف و توسعه میدان نفتی با شرکت‌های خارجی انتخاب شد و تا کنون نیز ادامه پیدا کرد. تا این‌که در سال ۱۳۹۴ مصوبه جدید هیأت دولت مدل جدید قرارداد نفتی را با عنوان آی پی سی معرفی نمود. این مصوبه، با انتقادهای زیادی روبه‌رو شد تا این‌که هیأت دولت در سال ۱۳۹۵ مصوبه جدیدی منتشر نمود. از آن‌جا که کشور ایران یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کشورهای دارنده منابع انرژی دنیا می‌باشد، از حیث تأمین انرژی کشورهای مختلف بسیار حائز اهمیت است و از طرف دیگر، ایران عضو ناظر پیمان منشور انرژی می‌باشد و برای این‌که بتواند به عضویت اصلی این پیمان نایل شود، باید تلاش کند اصول حاکم بر پیمان منشور انرژی را در قوانین خود جاری و ساری نماید. باتوجه به مطالب مذکور، باید نتیجه گرفت که اولاً، آیا در ایران سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه قراردادهای بالادستی نفت و گاز امکان دارد که ماده ۶ قانون نفت ۱۳۶۶ مقرر می‌دارد: «کلیه سرمایه‌گذاری‌ها بر اساس بودجه واحدهای عملیات از طریق وزارت نفت پیشنهاد و پس از تصویب مجمع عمومی در بودجه کل کشور درج می‌شود. سرمایه‌گذاری خارجی به هیچ وجه مجاز نخواهد بود.» این در حالی است که ماده ۳ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۰ مقرر می‌دارد: «سرمایه‌گذاری خارجی که بر اساس مفاد این قانون پذیرفته می‌شوند، از تسهیلات و حمایت‌های این قانون برخوردارند.»

به اصولی که در رویه داوری پیمان منشور حائز اهمیت شناخته شده است، در جای

خود اشاره شد؛ لیکن برخی از این اصول در مقررات ما به صراحت اشاره شده است و برخی نیز همچنان مسکوت مانده است. برای مثال، اصل رفتار منصفانه و عادلانه به نوعی در ماده ۸ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی بدین شکل آمده است: «سرمایه‌گذاری‌های خارجی مشمول این قانون از کلیه حقوق، حمایت‌ها و تسهیلاتی که برای سرمایه‌گذاری‌های داخلی موجود است، به طور یکسان برخوردار می‌باشند.» بنابراین، هر گونه رفتاری که با سرمایه‌گذار داخلی صورت پذیرد، همان رفتار باید عیناً با سرمایه‌گذار خارجی انجام شود و هیچ تبعیضی در این بین نباید به وجود آید. اما در خصوص اصل حمایت و امنیت کامل، مصادیقی از این اصل در قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی آمده است. برای مثال، در ماده ۱۳ اصل سرمایه، سرمایه‌گذار خارجی قابل انتقال به خارج است و حتی در ماده ۱۴ سود ناشی از سرمایه‌گذاری قابل نقل و انتقال است. بنابراین، این اصل به صورت مطلق در حقوق ایران اجرایی نمی‌باشد. در خصوص اصل عدم ایجاد شرایط سخت با اقدامات تبعیض‌آمیز، صرفاً در خصوص سلب مالکیت مطابق ماده ۹ قانون تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی به رسمیت شناخته شده است که این مطلب نیز برگرفته از موافقتنامه‌های دو یا چند جانبه سرمایه‌گذاری و نیز عرف حاکم بر حقوق بین‌الملل می‌باشد. اما در سایر مقررات داخلی این اصل به چشم نمی‌خورد. اصل عدم رفتار تبعیض‌آمیز در حقوق ما رعایت نشده است. برای مثال ما برای سرمایه‌گذاران خارجی سقف تعیین نموده‌ایم یا در خصوص تملک اراضی نسبت به آن‌ها محدودیت قائل شده‌ایم. لذا از این حیث مقررات ما مطابق اصول حاکم بر پیمان منشور انرژی نمی‌باشد. اصل رعایت حداقل استانداردهای رفتاری، مفهومی بین‌المللی است که باید ابتدائاً حداقل استاندارد را تبیین و سپس بررسی کرد که آیا در حقوق ما این استانداردها رعایت شده است یا نه که به نظر مفهومی نسبی است. اصل چتری نیز می‌تواند در حقوق ما مطرح باشد؛ چرا که مقرره‌ای در مخالفت با این اصل به دست نیامد. در خصوص داوری نیز نسبت به اموال عمومی و دولتی می‌بایست با تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس باشد که به نظر می‌رسد. عضویت ایران باید در مجلس شورای



اسلامی بعد از سپری شدن مراحل مقدماتی پذیرش به تصویب برسد و صرفاً تصویب مجلس می‌تواند به معنای رضایت به اجرای پروسه داوری باشد. در نهایت باید اظهار نمود، مقررات ما در پرتو اصول حاکم بر پیمان منشور انرژی دارای رنگ خاکستری می‌باشد. این مقررات باید شفاف باشد و از طرف دیگر، بیش‌تر مشکل ما در خصوص عدم حصول به عضویت دائم در منشور، جنبه سیاسی و اختلافات ناشی از تنش‌های هسته‌ای بوده است که با توجه به اجرای تعهدات ناشی از برجام تا حدودی می‌توان شکافی را که در دوره هشت ساله دولت قبل نسبت به عضویت ایران ایجاد شده بود است، جبران نمود. عدم پذیرش ایران، در این پیمان بیش‌تر ما را از توسعه و رشد سرمایه‌گذاری و امکانات ناشی از ترانزیت گاز و برق و غیره محروم خواهد کرد و سرمایه‌هایی زیادی به فنا خواهد رفت.

منابع

۱. اخلاقی، بهروز و اسدالله صحرانورد، «بررسی ماهیت حقوقی بیع متقابل نفتی ایران و سازگاری آن با پیمان منشور انرژی»، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۳، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲.
۲. استیفن، جاگوش و دیگران، «معاهده منشور انرژی، دامنه اختلافات و تصمیمات»، ترجمه بهزاد صغیری، نشریه کانون وکلای دادگستری، تابستان ۱۳۹۵، شماره ۴۲.
۳. سلجوقی، محمود، حقوق بینالملل خصوصی تعارض قوانین، تهران، چاپ دوم، جلد اول، سال ۱۳۷۷، نشر دادگستر.
۴. شیروی، عبدالحسین و علیرضا پور اسماعیلی، امنیت ملی در حقوق سرمایه گذاری خارجی، «فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی»، دوره ۴۳، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲.
۵. شیروی، عبدالحسین، حقوق نفت و گاز، انتشارات میزان، چاپ اول، سال ۱۳۹۳.
۶. صادقی، محسن و بهنام غفاری فارسانی، حل اختلافات سرمایه‌گذاری در معاهده منشور انرژی و آثار الحاق ایران به آن، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۶، ۱۳۸۸.
۷. علیدوستی شهرکی، ناصر، «احترام مالکیت و سرمایه گذاری خارجی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰.
۸. لوونفلد، آندریاس، حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری، ترجمه دکتر محمدجعفر قنبری جهرمی، انتشارات جنگل، چاپ اول، سال ۱۳۹۰.

9. Konoplayink, Andrey, "Russia and Energy Charter Treaty: Past, Present and Future", Oil, Gas & Energy Law intelligence, Vol. 10- issue 3, Published March 2012.
10. Anatolie .Stati, Gabriel Stati, Ascom Group S.A. and Terra .Raf Trans Traiding Ltd. V. Kazakhstan, SCC Arb. V (116/2010), p. 945.(<http://www.italaw.com/sites/default/files/case-documents/italaw3083.pdf>) available (March-2017).



11. Electrable S.A. v. Republic of Hungary, ICSID Case NO. ARB/07/19, Decision on Jurisdiction, Applicable law and liability, 8.32-36, Part VIII- page 9. (available March2017)

<http://www.italaw.com/sites/default/files/casedocuments/italaw4495.pdf>.

12. Mohammad Ammar AL-Bahloul v. Ukraine, SCC Arab. 080/2005, Final Award, available at:

http://www.italaw.com/sites/default/files/casedocuments/ita0023_0.pdf (March- 2017).

13. Organization for Economic Cooperation and Development (OECD), Fair and Equitable Standard in International Investment Law, P. 14.

(Working Papers on International Investment, 2004/03, OECD Publishing. Available at: https://www.oecd.org/daf/inv/investment-policy/WP-2004_3.pdf (March- 2017).

14. Plama Consortium Ltd. v. Republic of Bulgaria, ICSID Case No. ARB/03/24, Award, section 162-63

15. Thomas W. Walde, Energy Charter Treaty-based Investment available DISP.MGMT. 47 Arbitration, 1:3 TRANSANTIOAL at:

http://arbitrationlaw.com/files/free_pdfs/tc_toc_invsmtarbnrgchrtrtry.pdf (March 2017).

16. Timothy .A, Martin, Dispute resolution in the international energy sector: an review, journal of world energy law and business 2011, vol. 4 No, 4. P.332-.043

17. Walde, T. W, Investment Arbitration Under the Energy Charter Treaty- From Dispute Settlement to Treaty Implementation, 12 ARB. Note 49, at 288. (1996)

18. -Zewei, Yang, “The Energy Charter Treaty and Dispute Settlement of Transnational Energy Pipelines”,



نقش مدیریت خشم در پیگیری از جرایم